آداب عطسه و خمیازه

**مؤلف:**

**اسماعیل الرمیح**

**مترجم:**

**گلناز رخشانی مقدم**

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | آداب عطسه و خمیازه  |
| **عنوان اصلی:** | آداب التثاؤب والعطاس |
| **مؤلف:** | اسماعیل الرمیح |
| **مترجم:** | گلناز رخشانی مقدم |
| **موضوع:** | آداب و رسوم اسلامی - آداب و تربیت (دعوت، گفتگو ...) |
| **نوبت انتشار:**  | اول (دیجیتال)  |
| **تاریخ انتشار:**  | دی (جدی) 1394شمسی، ربيع الأول 1437 هجری |
| **منبع:**  |  |
|  |  |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.****www.aqeedeh.com** |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** |
| www.mowahedin.comwww.videofarsi.comwww.zekr.tvwww.mowahed.com |  | www.aqeedeh.comwww.islamtxt.com[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)www.sadaislam.com |
|  |  |
|  |
| contact@mowahedin.com |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[فهرست مطالب ‌أ](#_Toc437434837)

[مقدمه مترجم 1](#_Toc437434838)

[سنت و اهمیت اتباع از آن 1](#_Toc437434839)

[مقدمۀ مؤلف 5](#_Toc437434840)

[شخص مؤمن، خمیازه را ناپسند می‌داند 7](#_Toc437434841)

[مواردی که خمیازه‌کشنده باید مدنظر داشته باشد 9](#_Toc437434842)

[اموری که خمیازه‌کشنده باید از آن‌ها پرهیز کند 10](#_Toc437434843)

[پیامبران خمیازه نمی‌کشند 12](#_Toc437434844)

[مؤمن عطسه را دوست دارد 13](#_Toc437434845)

[پایین آوردن صدا هنگام عطسه زدن 14](#_Toc437434846)

[پوشاندن دهان و صورت هنگام عطسه زدن 14](#_Toc437434847)

[کج کردن گردن هنگام عطسه زدن 15](#_Toc437434848)

[عطسه‌زننده با صدای بلند «الحمد لله» بگوید اگر چه در نماز فرض باشد 15](#_Toc437434849)

[پاسخ دادن عطسه شخص مسلمان 20](#_Toc437434850)

[جواب عطسه کافر 22](#_Toc437434851)

[فواید جواب عطسه 23](#_Toc437434852)

[لطیفه 23](#_Toc437434853)

[عطسه‌زننده در پاسخ جواب‌دهنده چه بگوید 24](#_Toc437434854)

[چه کسی مستحق جواب دادن نیست 26](#_Toc437434855)

مقدمه مترجم

الحمد لله وکفی والصلاة والسلام علی عباده الذین اصطفی اما بعد. قال رسول الله ج: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ وَلَدِه وَوَالِدِه وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ».

اما بعد؛ علامه دوست محمد قریشی می‌فرماید: انسان از کلمه «انس» گرفته شده است و «انس» به معنی محبت و مودت است و انسانیت هر فرد منوط به محبت و انسانیتی است که با دیگران دارد ... و عامل محبت و دوستی می‌تو‌اند چهار چیز باشد: 1- حسن و زیبایی 2- نبوغ هنر و کمال 3- پیوند نسبی یا سببی 4- مال و ثروت و نکته شایان توجه این است که اگر این چهار عامل یکجا در یک شخص باشند طبعاً خواهی نخواهی مردم با وی محبت خواهند کرد و در برابر قول و عمل او مطیع خواهند شد و رسول اکرم ج آن انسان پاک طینت و وارسته‌ای است که منشأ محبت و مودت بوده و تمامی محاسن و خوبی‌ها از چشمه وجود مبارک وی تراوش یافته است و ایشان مجموعه‌ای از کلیه کمالات و نبوغ است که هر مسلم مخصلی را در برابر اقوال شیرین و عمل زیبای خود مطیع و قانع می‌گرداند.

سنت و اهمیت اتباع از آن

سنت در لغت به معنای صورت و سیرت است و در اصطلاح عبارت است از روش و سیرت رسول اکرم ج در همه ابعاد زندگی برای اطاعت و عبادت خداوند و در اصطلاح دین و شریعت: به کلیه اعمال، افعال و اقوال رسول اکرم ج سنت گفته می‌شود.

اتباع سنت: یعنی پیروی کردن از روش حسنه رسول اکرم ج در تمامی ابعاد زندگی چانچه قرآن کریم عموم مسلمانان را به ادراک آن دعوت نموده است و می‌فرماید:

﴿لَّقَدۡ كَانَ لَكُمۡ فِي رَسُولِ ٱللَّهِ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ﴾ [الأحزاب: 21].

برای شما در زندگی و اخلاق رسول خدا ج اسوه و روش نیکویی است و باید از آن پیروی کرد. خلاف پیامبر ج و اعراض کردن از سنت‌های آن حضرت ج انسان را از هدف آفرینش دور می‌کند:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| خلاف پیامبر کسی ره گزید |  | که هرگز به منزل نخواهد رسید |

حیات طیبه رسول اکرم ج از بدو ولادت تا هنگام وفات سراپا تعلیم است و هر شخص مؤمن که می‌خواهد از زندگی اسلامی و قرآنی بهره‌مند شود باید اتباع سنت زیادی رسول اکرم ج را بکند اگر علما و اولیا به مقام رفیع علم و ولایت نایل گشته‌اند به وسیله اتباع سنت رسول اکرم ج برایشان شاهد و هویدا بوده و همیشه سعی می‌کردند که زندگی خود را با قرآن و سنت محبوب و معشوق خود عجین و آغشته کنند و همین طور هم شد.

آری سنت و اتباع از سنت رسول اکرم ج دستاویزی است که مؤمن و اتباع را از بحر عمیق سفاهت و جهالت رهانیده و به علو درجات و اعلی علیین می‌رساند و تا جایی که تقرب خداوندی را شامل حال خود می‌کند.

رسول اکرم ج کلیه راه‌ها و روش‌های زندگی را به امت آموختند حتی در مورد کوچکترین و بی‌ارزش‌ترین چیزها ارشادات و راهنمایی‌های خود را دریغ نفرمودند و طریقه برخورد با آن را نشان‌دهی کردند. حتی عطسه و خمیازه، در حالی که هر دو امر غیر اختیاری هستند رسول اکرم ج طریقه مواجهه شدن با آن را برای ما بیان کردند تا از ضرر‌های آن‌ها درامان باشیم و با عمل به سنت، مستحق اجر و پاداش شویم و حتی این را هم برای ما بیان کردند که مواد عطسه از الطاف خداوند است و باعث می‌شود که مواد زایده و مضر از مغز و دماغ آنان بیرون آیند و باعث می‌شود که نیروی فهم و ادراک انسان تقویت و تزکیه شود و در عبادت خشوع و خضوع به وجود آید و همچنین این را هم برای ما بیان کردند که خمیازه از اثرات سوء شیطان بر آدمی است که از کسالت و تنبلی نشأت می‌گیرد و مورد پسند شیطان است و اثرات نامطلوبی در کار روزانه و عبادت دارد. در آخر از خداوند سبحان مسئلت دارم که سنت حسنه رسول اکرم ج را در تار و پود زندگی امت مسلمه جاری بگرداند و توفیق احیاء سنت‌های از یاد رفته و فراموش شده رسول اکرم ج را به همگان عطا کند و این اثر نفیس را که مجموعه‌‌ای از قرآن و سنت است به بارگاه خود قبول کند. و روح رسول الله ج را شاد بگرداند.

گلناز رخشانی مقدم

ربیع الاول 1427 هجری

مقدمۀ مؤلف

الحمد لله نحمده ونستعینه ونستغفره ونتوب إلیه، ونعوذ بالله من شرور أنفسنا و من سیئات أعمالنا من یهده الله فلامضل له، ومن یضلل فلا هادي له وأشهد أن لا إله إلاالله وحده لاشریک له وأشهد أن محمداً عبده ورسوله.

اما بعد: بهترین روش، روش محمد ج است و بدترین امور، چیزهای جدید در دین است و هر چیز جدید و نو پیدا در دین بدعت است و هر بدعتی گمراهی و تباهی است و هر گمراهی، سرانجام در جهنم است.

بدون تردید اسلام در تمام مراحل زندگی اعم از بخش‌های بزرگ و کوچک آن برای فرد مسلمان راه و روشی گذاشته است و مسیری را برای وی نشان‌دهی و مشخص کرده است و هر مسلمان را به خلق و خوی پسندیده و نیکو فراخوانده و از خلق و خوی پسندیده‌ای که اسلام عزیز همگان را به رعایت کردن آن فراخوانده، این است که عطسه‌‌زننده و خمیازه‌کشنده را به رعایت آداب آن راهنمایی کرده است که مسلماً در رعایت آداب آن، مصلحت خود شخص و سایرین خواهد بود و از زیان‌های که گریبانگیر خود شخص و سایرین خواهد بود بازداشته است. از این رو، بنده به جمع‌آوری آداب مربوط به آن اقدام نمودم زیرا که اکثر مردم به این آداب آشنایی ندارند و چه بسا اوقات پیش می‌آید که شخص عطسه‌ می‌زند و «الحمد لله» می‌گوید و در پاسخش «یرحمك الله» گفته می‌شود اما خود عطسه‌زننده نمی‌داند در جواب پاسخ‌دهنده چه بگوید و در پاسخ، فقط می‌گوید: متشکرم، و بعضی‌ها اصلاً نمی‌دانند که در حین عطسه‌ زدن چه بگویند و یا چگونه پاسخ عطسه‌زننده را بدهند.

و در رابطه با خمیازه‌های عده‌ی کمی از مردم بر روش و سنت رسول اکرم ج عمل می‌کنند و چه بسا افرادی هستند که خمیازه می‌کشند و دهانشان همچنان برای همیشه باز می‌ماند و بعضی نیز همراه خمیازه صداهایی از خودشان درمی‌آورند که با این کار خودشان به خاطر ترک سنت، پاداش بزرگی را از دست می‌دهند و تنها انگیزه بنده از گردآوری این اثر همین است از خداوند متعال مسئلت دارم که این اثر را خالصاً در کسب رضامندی خویش بپذیرد.

و درود فراوان بر محمد ج و آل و اصحاب پاکش باد.

شخص مؤمن، خمیازه را ناپسند می‌داند

امام شافعی/ می‌فرماید:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| «لوکان حبك صادقا لاطعته |  | إن المحب لمن یحب مطیع»[[1]](#footnote-1) |

اگر تو در دوستی و محبت صادقانه می‌بودی او را طاعت می‌کردی زیرا که دوستدار و عاشق همیشه فرمانبر محسوب و معشوق خود است.

بله، شخص شیفته و دوستدار، هر آن کاری را که محبوب و معشوقش دوست دارد می‌پسندد بد و ناپسند باشد او نیز آن کار را بد و ناپسند می‌داند. خداوند متعال نیز خمیازه را ناپسند و مکروه می‌داند:

حضرت أبی‌هریرهس از رسول اکرم ج روایت می‌کند که ایشان فرمودند:

«ان الله یحب العطاس ویکره التثاوب، فإذا عطس فحمدلله، فحق علی کل مسلم سمعه ان یشمته واما التثاوب فإنما هو من الشیطان فلیرده ما استطاع فإذا قال: ها، ضحک منه الشیطان».[[2]](#footnote-2)

«خداوند عطسه را دوست دارد و خمیازه را ناپسند و مکروه می‌داند و هنگامی که شخص عطسه می‌زند باید حمد و ستایش خداوند را بگوید (یعنی الحمدلله) بگوید و شخص مسلمانی که عطسه را می‌شنود این حق بر ذمۀ اوست که جواب عطسۀ او را بدهد اما خمیازه از جانب شیطان است و تا جایی که برای شخص ممکن است و توان دارد باید از وقوع آن جلوگیری کند و هنگامی که شخص در حین خمیازه کردن صدای «ها» را از خود درمی‌آورد شیطان از این عمل او خشنود شده و می‌خندد.

از این رو، مؤمن خمیازه را ناپسند می‌داند چون که پروردگارش آن را ناپسند دانسته است.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَشَدُّ حُبّٗا لِّلَّهِۗ﴾ [البقرة: 165].

«کسانی که به خدا ایمان آورده‌اند قوی‌تر هستند در رابطه با عشق و محبت با خداوند (از دوستی و محبت مشرکان با معبودانشان)».

یکی دیگر از آن عواملی که خمیازه را ناپسند قرار داده و می‌دهد این است که خمیازه از طرف شیطان است و از شیطان جز کار زشت و ناپسند چیز دیگری سر نمی‌زند و همچنین خمیازه از خوردن زیاد سرچشمه می‌گیرد و واقع شدن در خمیازه منجر به کسالت و تنبلی در عبادت می‌شود و خمیازه کشیدن همیشه و در هر حال مکروه و ناپسند است ولی کراهیت آن در نماز شدیدتر و بیشتر است؛ زیرا هدف مهم و اساسی شیطان، پرت کردن حواس نمازگزار است.[[3]](#footnote-3)

حضرت ابوهریرهس از پیامبر اکرم ج روایت می‌کند که آن حضرت ج فرمودند:

«التَّثَاؤُبُ في الصلاة مِنَ الشَّيْطَانِ فَإِذَا تَثَاءَبَ أَحَدُكُمْ فَلْيَكْظِمْ مَا اسْتَطَاعَ».[[4]](#footnote-4)

خمیازه کشیدن در نماز از طرف شیطان است هر گاه یکی از شما خمیازه‌اش گرفت تا آنجایی که توان دارد آن را فروبرد و از انجام و وقوع آن جلوگیری کند.

مواردی که خمیازه‌کشنده باید مدنظر داشته باشد

هنگامی که شخصی می‌خواهد خمیازه بکشد، لازم است تا آنجا که در توانش است آن را فروبرد و از وقوع آن جلوگیری کند و دهانش را کنترل نموده و آن را بسته نگه دارد تا خمیازه کشیده نشود.

از حضرت ابوهریرهس روایت شده است که رسول اکرم ج فرمود:

«التَّثَاؤُبُ مِنَ الشَّيْطَانِ فَإِذَا تَثَاءَبَ أَحَدُكُمْ فَلْيَكْظِمْ مَا اسْتَطَاعَ».[[5]](#footnote-5)

«خمیازه از طرف شیطان است، زمانی که یکی از شما خمیازه کشید اگر توانایی داشت از وقوع و آنجام آن جلوگیری کند». و اگر توانایی جلوگیری و کنترل آن را نداشت پس دهانش را ببندد و دستش را بر دهانش نگه داشته و دهانش را با دستش بپوشاند زیرا که از حضرت ابی‌سعیدس روایت شده که رسول اکرم ج فرمودند:

«إِذَا تَثَاوَبَ أَحَدُكُمْ فِى الصَّلاَةِ فَلْيَكْظِمْ مَا اسْتَطَاعَ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَدْخُلُ».[[6]](#footnote-6)

«هنگامی که یکی از شما خمیازه کشید دهانش را با دستش بگیرد چون که شیطان داخل دهانش می‌شود».

و بهتر است که دهانش را با دست چپش بگیرد چون از دست چپ در موارد غیر بهداشتی و مکروه کار گرفته می‌شود (مانند استنجاء و غیره ...).

اموری که خمیازه‌کشنده باید از آن‌ها پرهیز کند

اگر شخص خمیازه‌کننده در رابطه با خمیازه به دستورها و توصیه‌های رسول اکرم ج توجه نکنند دچار مشکل شده و مسلماً با موارد زشت و ناپسند و در نهایت با گناه مواجه خواهد شد که این موارد عبارتند از:

* از اجر و پاداش کارهای نیکی که با انجام و رعایت کردن این سنت به دست می‌آید، محروم می‌گردد.
* چهره خمیازه‌کننده به خاطر باز شدن دهان و نگرفتش با دست، زشت و بدریخت می‌شود.
* گاهی مواقع در حین خمیازه، رگ‌های عصب و شاهرگ‌ها منحل شده و فک می‌افتد یا اینکه ضعیف و شل می‌شود.

و در نهایت، خمیازه باعث رضامندی و خشنودی شیطان شده و سبب دخول آن از مجرای دهان شده و به خاطر اطاعت از او و نافرمانی خداوند متعال شیطان به هدف خود می‌رسد.[[7]](#footnote-7)

رسول اکرم ج می‌فرماید:

«إذا تثاءب أحدکم فلیرده ما استطاع فإن أحدکم إذا تثاءب ضحک منه الشیطان».[[8]](#footnote-8)

هنگامی که یکی از شما خمیازه کشید اگر توانایی داشت آن را دفع کند زیرا هنگامی که یکی از شما خمیازه می‌کشد شیطان می‌خندد و در جایی می‌فرمایند:

«إِذَا تَثَاوَبَ أَحَدُكُمْ فِى الصَّلاَةِ فَلْيَكْظِمْ مَا اسْتَطَاعَ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَدْخُلُ».

«زمانی که یکی از شما خمیازه کشید دستش را جلوی دهانش بگیرد زیرا که شیطان داخل دهان او می‌شود».

صدایی را که شخص در حین خمیازه کشیدن از خود در‌می‌آورد یک اخلاق و عادت زشت و بدی است، چون که از انجام این عمل و صدا شیطان خوشحال شده و می‌خندد. رسول اکرم ج می‌فرمایند:

«وإما التثاءب فإنما هو من الشیطان فلیرده ما استطاع فإذا قال: ها، ضحک من الشیطان»**.**[[9]](#footnote-9)

«خمیازه از طرف شیطان است اگر توانایی و استطاعت داشت جلوی آن را بگیرد و هنگامی که شخص با خمیازه صدای «ها» را از خودش درمی‌آورد شیطان خوشحال و خشنود می‌شود».

«هنگام خمیازه کشیده تعوذ گفتن: «أعوذ بالله من الشیطان الرجیم» مشروعیت ندارد».

خیلی از مردم، هنگام خمیازه کشیدن «أعوذ بالله من الشیطان الرجیم» می‌گویند و و آن را یک عمل مستحب می‌پندارند و اگر این عمل مشروع می‌بود حتماً موارد زیادی در رابطه با آن از پیامبر اکرم ج و اصحابش نقل می‌شد حتی در رابطه با این موضوع حدیث ضعیفی هم موجود ندارد و هیچ جای تردید نیست که هر آن عملی که بر آن دلیل شرعی وجود نداشته باشد آن عمل بدعت محسوب می‌شود و هر بدعتی مردود به صاحبش باز گردانده خواهد شد. چنان‌چه از حضرت عایشهلروایت شده که آن حضرت ج فرمودند: «من عمل عملاً لیس علیه امرنا فهو رد»[[10]](#footnote-10) «هر کس که عملی را انجام دهد که آن عمل از دین ما نیست و مورد تأیید دین ما نیست آن مردود است».

پیامبران خمیازه نمی‌کشند

حافظ ابن حجر/ در فتح‌الباری می‌نویسد: از خصایص و ویژگی‌های نبوی موردی است که ابن شبیه و بخاری در کتاب تاریخ خود از روایت مرسل[[11]](#footnote-11) «یزیدبن أصم» نقل کرده‌اند که: «ما تثاءب النبي ج قط» یعنی پیامبر اکرم ج هیچ وقت خمیازه نکشدید و امام خطابی/ نیز از طریق «مسلمه بن عبدالملک بن مروان» تخریج کرده‌اند که گفته: «ما تثاءب نبي قط» و مسلمه بسیاری از صحابه کرام را دریافته و ملاقات کرده است و راوی ثقه و راستگویی است و حدیث «أن التثاءب من الشیطان»[[12]](#footnote-12) تأییدی است بر اینکه پیامبران صلواة الله علیهم، هیچ‌گاه خمیازه نکشیده‌اند.

مؤمن عطسه را دوست دارد

از حضرت ابوهریرهس روایت شده است که رسول اکرم ج فرمودند: «إن الله یحب العطاس»[[13]](#footnote-13) یعنی خداوند متعال «عطسه را دوست دارد» و خداوند می‌فرماید:

﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَشَدُّ حُبّٗا لِّلَّهِۗ﴾ [البقرة: 165].

«کسانی که به خدا ایمان آورده‌اند قوی‌تر هستند در رابطه با عشق و محبت با خداوند (از دوستی و محبت مشرکان با معبودانشان)».

مؤمن خداوند را دوست دارد و آنچه را که خداوند دوست دارد او نیز دوست می‌دارد و خداوند عطسه را دوست دارد پس مؤمن نیز عطسه را دوست دارد.[[14]](#footnote-14)

پس عطسه عمل محبوب و پسندیده‌ای به شمار می‌رود چون که از وقوع آن بدن سبک می‌شود و عطسه از سبکی بدن به وجود می‌آید و سبب باز شدن شش‌ها و ریه‌ها و سایر منافذ تنفسی شده و بیانگر عدم پرخوری است و در نهایت موجب نشاط، شادابی و حرکت در عبادت می‌شود.

پایین آوردن صدا هنگام عطسه زدن

شایسته است که شخص عطسه‌زننده هنگام عطسه‌زدن صدایش را پایین آورد و از بلند کردن و یا از بلند صدا جلوگیری کند.[[15]](#footnote-15)

از حضرت ابوهریرهس روایت شده که پیامبر اکرم ج هنگامی که عطسه می‌زدند چهره مبارک را با پارچه‌ای می‌پوشانیدند و صدایش را پایین می‌آورد[[16]](#footnote-16). زیرا که عطسه‌زننده هنگامی که صدای خود را کشیده و بلند می‌کند مسلماً این عمل باعث بروز مشکلات و اختلالاتی در سر و مجاری تنفسی او می‌شود.[[17]](#footnote-17)

پوشاندن دهان و صورت هنگام عطسه زدن

برای عطسه‌زننده مناسب است که در هنگام عطسه زدن دهان و چهره‌اش را با دست و یا پارچه و یا چیز دیگری بپوشاند تا که آب دهان و بینی بر روی لباس و یا بر روی کسی که کنار یا بغل او نشسته است نریزد زیرا هنگام عطسه زدن، کنترل خود را از دست می‌دهد و از اختیارش خارج می‌شود و اطرافیان از چیزهایی که از دهان و بینی او خارج می‌شوند درامان نخواهند بود.[[18]](#footnote-18)

از حضرت ابوهریرهس روایت شده است که «إن النبي ج کان إذا عطس غطی وجهه بیده أو بثوبه بها صوته»[[19]](#footnote-19) زمانی که پیامبر اکرم ج عطسه می‌زند چهره مبارک، را با دو دست یا با پارچه می‌پوشانید و به کمک آن (پارچه یا دست) صدایش را پایین می‌آورد.

کج کردن گردن هنگام عطسه زدن

شخصی که عطسه می‌زند بر او لازم است که هنگام عطسه زدن گردنش را به راست و چپ کج و یا خم نکند تا اینکه به او ضرری نرسد. و اگر گردنش را به خاطر مأمون بودن همنشین و کناری‌ش به یک طرف کند از خمیدگی و کجی آن درامان نمی‌ماند و برای بعضی از مردم این اتفاق پیش می‌آید که هنگام عطسه زدن سر و گردن خود را به سمت دیگری گردانیده تا کنارش از عطسه (و آب دهان و بینی) او درامان باشد اما سرش برای همیشه کجی باقی مانده است.[[20]](#footnote-20)

عطسه‌زننده با صدای بلند «الحمد لله» بگوید اگر چه در نماز فرض باشد

علما اتفاق نظر دارند بر اینکه برای عطسه‌زننده مستحب است که بعد از عطسه «الحمد لله» بگوید[[21]](#footnote-21) و برای شنوندگان، گفتن «الحمد لله هنگام شنیدن عطسۀ شخص دیگر مشروع نیست و احادیث وارد شده در این زمینه ضعیف هستند».[[22]](#footnote-22)

هنگامی که شخصی عطسه می‌زند مناسب است که «الحمد لله» بگوید و هنگام گفتن حمد صدایش را بلند کند فرق نمی‌کند چه داخل نماز باشد[[23]](#footnote-23) و یا خارج از نماز از پیامبر اکرم ج روش‌های مختلفی در رابطه با «حمد» نقل شده و مطابق سنت «حمد» انواع زیادی دارد و مناسب است که همه انواع آن گفته شود گاهی که یک روش و گاهی به روش دیگر، تا با این کار از سنت پیامبر اکرم ج پیروی کرده باشد و از انواع آنکه عبارتند از:

1. عطسه‌زننده «الحمد لله» بگوید و از حضرت ابوهریرهس روایت شده است که پیامبر اکرم ج فرمودند: «إن الله یحب العطاس ویکره التثاءب فإذا عطس فحمد الله فحق علی کل مسلم سمعه إن یشمته»**.**[[24]](#footnote-24)

خداوند عطسه را دوست می‌دارد و خمیازه را ناپسند می‌داند. هر گاه کسی عطسه زد و حمد خدا را گفت «الحمد لله» و بر مسلمانی که آن را شنید لازم است که جواب عطسه‌اش را بدهد.

1. یا اینکه عطسه‌زننده «الحمد لله رب العالمین» بگوید:

حضرت ابن مسعودس از رسول اکرم ج روایت کرده است که ایشان فرمودند:

«إذا عطس أحدکم فلیقل: الحمد لله رب العالمین ویقال له: یرحمك الله ولیقل یغفر الله لکم»**.**[[25]](#footnote-25)

هنگامی که یکی از شما عطسه زد «الحمد لله رب العالمین» بگوید و دیگران یعنی شنوندگان در جواب او «یرحمك الله»بگویند و عطسه‌زننده در پاسخ او «یغفر الله لکم» بگوید. اما راجع به اینکه خیلی از مردم عادت دارند بعد از «الحمد لله رب العالمین»، سوره فاتحه را کامل می‌خوانند این کار آن‌ها بی‌اساس بوده و در شریعت برای آن اصل و دلیلی وجود ندارد و بسیاری از مردم از حد تجاوز کرده‌اند و قبل یا بعد از «الحمد لله»، «أشهد أن لا إله إلا الله» می‌گویند در حالی که این کار آنان بدعت و حرام است.[[26]](#footnote-26)

همچنین گفتن «الحمد لله» ..الحمد لله کعز جلا له» مشروعیت ندارد و احادیث وارد شده در این زمینه ضعیف هستند.[[27]](#footnote-27)

1. یا اینکه عطسه‌زننده «الحمد لله علی کل حال» بگوید:

از حضرت علیس روایت شده است که پیامبر اکرم ج فرمودند:

«إذا عطس أحدکم فلیقل: «الحمد لله علی کل حال ولیقل له من عنده: یرحمك الله ویرد علیهم یهدیکم الله ویصلح بالکم».[[28]](#footnote-28)

هنگامی که یکی از شما عطسه زد باید «الحمد لله علی کل حال» بگوید و اطرافیانش در جواب، «یرحمك الله» بگویند و خود عطسه‌زننده در پاسخ اطرافیانش «یهدیکم الله ویصلح بالکم» بگوید. (یعنی خداوند شما را هدایت کند و حال شما را بهبود سازد).

1. یا اینکه عطسه‌زننده «الحمد لله حمدا کثیراً طیباً مبارکاً فیه مبارکهً علیه، کما یحب ربنا ویرضي» بگوید.

از حضرت رفاعه ‌بن رافع روایت شده است که می‌گوید: من پشت سر رسول خدا ج نماز خواندم و عطسه زدم و قتیبه که کنار من ایستاده بود چیزی نگفت و من «الحمد لله حمداً کثیراً مبارکه فیه مبارکاً علیه کما یحب ربنا ویرضی» گفتم و هنگامی که رسول خدا ج نماز را به پایان رسانید فرمود: گوینده چه کسی بود. عرض کردم: من یا رسول الله ج. رسول خدا ج فرمودند:

«لقد رأیت بضعه وثلاثین ملکا یبتدرنه أیهم یکتبها أول».[[29]](#footnote-29)

«من سی و اندی فرشته را دیدم که به سوی آن می‌شتافتند و هر کدام تلاش می‌کرد که آن را پیش او همه بنویسد».

عطسه‌زننده از ذکر، تسبیحی که در حدیث نیامده است باید جدا پرهیز و اجتناب کند چون که بهترین روش، روش محمد ج است.

حضرت مجاهد/ می‌فرماید: یکی از پسران حضرت عبدالله بن عمرب، ابوبکر و یا عمر، عطسه زد و گفت: آب، حضرت عبدالله بن عمرب گفت: آب چیست؟ گفت: آب اسم شیطانی است از شیاطین است که بین عطسه و حمد قرار دارد[[30]](#footnote-30). حضرت سالم‌بن عبیدس می‌گوید: من همراه یک گروهی در سفر بودم، یکی عطسه زد و گفت: «السلام علیکم»حضرت سالم‌بن عبید در جوابش گفت: «علیک وعلی أمک» سلام بر تو و بر مادرت، مرد ناراحت شد (که من به او سلام دادم و او اسم مادرم را گرفت) حضرت سالم گفت: من چیزی نگفتم مگر آنچه را که از رسول خدا ج شنیده بودم روزی مردی نزد رسول خدا ج عطسه زد و گفت: «سلام علیکم» و رسول خدا ج فرمود: «علیك وعلی أمك» رسول خدا ج فرمود: هر گاه یکی از شما عطسه زد «الحمد لله رب العالمین» بگوید و شنوندۀ حمد «یرحمك الله» بگوید و عطسه‌زننده در پاسخ شنونده «یغفر الله لنا ولکم»بگوید.[[31]](#footnote-31)

پاسخ دادن عطسه شخص مسلمان

هر کسی که صدای عطسه زدن و الحمد لله گفتن شخصی را شنید دادن جواب عطسه او را با «یرحمك الله» واجب عطسه بدهد و حمد را به یاد او نیاورد.

از حضرت ابوهریرهس مروی است که رسول اکرم ج فرمودند:

«ان الله یحب العطاس ویکره التثاءب فإذا عطس فحمد الله فحق علی کل مسلم سمعه إن یشتمه».[[32]](#footnote-32)

«عطسه محبوب و مورد پسند خداوند متعال است و خمیازه مکروه مذموم است زمانی که یکی از شما عطسه زد باید «الحمد لله» بگوید و هر کسی صدای عطسه زدن و الحمد لله گفتن او را شنید بر او واجب است که پاسخ عطسه و الحمدالله گفتن او را بدهد».

از حضرت انسس روایت شده است که دو شخص نزد رسول اکرم ج عطسه زدند پیامبر اکرم ج جواب عطسه یکی را داد و جواب دیگری را نداد. آن شخص که پیامبر اکرم ج جواب عطسه‌اش را نداده بود (به عنوان گلایه) گفت: فلانی عطسه زد و شما جواب عطسه‌اش را دادید و من عطسه زدم و شما جواب عطسه مرا ندادید. رسول اکرم ج فرمود: او «الحمد لله» گفت و من جواب عطسه‌اش را دادم ولی تو «الحمد لله» نگفتی.[[33]](#footnote-33)

و برای کودکان و بچه‌های کوچک کلمات مخصوصی برای عطسه وجود ندارد و حکم عطسۀ بچه‌های خردسال و کوچکترها دقیقاً همانند بزرگترهاست و مناسب نیست که در پاسخ عطسه بچه‌ها و کوچکترها کلمات و جملاتی از قبیل «أصلحك الذي أعطسك» «خدایی که تو را به عطسه درآورد تو را صالح کند» یا «عشت» یعنی همیشه زنده باشی گفته شود اگر گفتن چنین کلمات و الفاظی درست می‌بود مسلماً از پیامبر اکرم ج و صحابه کرام رضوان‌الله ثابت می‌شد.

جواب عطسه کافر

هنگامی که کافری عطسه زد و «الحمد لله» گفت باید در جوابش «یهدیکم الله ویصلح بالکم» گفته شود. از حضرت ابوموسی اشعریس روایت شده است که یهود نزد رسول اکرم ج در جواب عطسه می‌زدند و امید داشتند که رسول اکرم ج در جواب عطسه آن‌ها «یرحکم الله» بگوید ولی رسول خداج «یهدیکم الله ویصلح بالکم»[[34]](#footnote-34) می‌گفت و جایز نیست که در حق آن‌ها دعای خیر شود. طبق فرمودۀ خداوند متعال که می‌فرمایند:

﴿مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَن يَسۡتَغۡفِرُواْ لِلۡمُشۡرِكِينَ وَلَوۡ كَانُوٓاْ أُوْلِي قُرۡبَىٰ مِنۢ بَعۡدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمۡ أَنَّهُمۡ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَحِيمِ ١١٣﴾ [التوبة: 113].

«برای پیامبر ج و آن کسانی که ایمان آورده‌اند مناسب نیست که برای مشرکین و خویشاوندان مشرک خود را از خداوند طلب آمرزش کنند بعد از آنکه آنان اهل دوزخ شناخته شدند».

فواید جواب عطسه

در پاسخ دادن عطسه فواید زیادی است از جمله:

1. ایجاد صفا و صمیمیت و جو مملو از محبت و مودت میان مسلمانان.
2. تأدیب عطسه‌زننده با شکستن غرور و تکبر و واداشتن او بر تواضع و فروتنی.

چرا که در یادآوری رحمت‌ الهی توجه به گناهی می‌شود که اکثر مکلفان از آن پاک نیستند.

لطیفه

امام ابوداود/ صاحب سنن در یک کشتی سوار بود صدای عطسه‌ای را از ساحل دریا شنید که بر آن «الحمد لله» گفته شد، یک قایق کوچکی را به یک درهم کرایه کرد و پیش عطسه‌زننده رفت و جواب عطسه‌اش را داد و برگشت. هنگامی که از این کار او سؤال شد گفت: شاید او مستجاب‌الدعوة باشد و هنگامی که خوابید شنید که یک هافتی می‌گفت:

«یا أهل السفینة إن أبا داود اشتری الجنة من الله بدرهم».[[35]](#footnote-35)

ای اهل کشتی ابوداود بهشت را در قبال یک درهم از خداوند خرید.

عطسه‌زننده در پاسخ جواب‌دهنده چه بگوید

هنگامی که شخصی عطسه می‌زند و الحمد لله می‌گوید و حاضرین در جلسه و شنوندگان عطسه جواب «الحمد لله» او را با «یرحمك الله» دادند بهتر آن است که عطسه‌زننده با یکی از دعاهای مذکوره ذیل پاسخ جواب‌دهندگان را بدهد و روش سنت این است: که هر دفعه که می‌خواهد جواب، پاسخ‌دهندگان را بدهد گاهی با این الفاظ و گاهی با الفاظ دیگری جواب بدهد (تا اینکه به همۀ احادیث رسول اکرم ج در این مورد عمل شده باشد) که عبارتند از:

1. بهتر است که عطسه‌زننده پاسخ، جواب‌دهندگان را با «یهدیکم الله ویصلح بالکم» بدهد.

چون که حضرت علیس از نبی‌ اکرم ج روایت کرده‌اند که ایشان فرمودند:

«إذا عطس أحدکم فلیقل: الحمد لله علی کل حال ولیقل له من عنده: یرحمك الله ویرد علیهم: یهدیکم الله ویصلح بالکم».

1. یا اینکه عطسه‌زننده در پاسخ جواب‌دهندگان «یغفر الله لنا ولکم» بگوید.

از حضرت سالم‌بن عبید روایت شده است که می‌گوید: من همراه یک گروهی در سفر بودم، یکی عطسه زد و گفت: «السلام علیکم» و حضرت سالم‌بن عبید در جوابش گفت: «علیك وعلی أمك» سلام بر تو و بر مادرت و مرد ناراحت شد (من به او سلام دادم و او اسم مادرم را گرفت) حضرت سالم گفت: من چیزی نگفتم به جز آنچه که از رسول خدا ج شنیدم روزی مردی نزد رسول اکرم ج عطسه زد و «السلام علیکم»گفت. رسول اکرم ج در جوابش فرمود «علیك وعلی أمك» رسول اکرم ج گفت: هر گاه یکی از شما عطسه زد «الحمد لله رب العالمین» بگوید و شنونده آن «یرحمك الله» بگوید و عطسه‌زننده در پاسخ، جواب‌دهنده «یغفر الله لنا ولکم»[[36]](#footnote-36) بگوید.

1. یا اینکه «یغفر الله ولکم» بگوید.

از حضرت ابن مسعودس روایت شده است که پیامبر اکرم ج فرمود:

«إذا عطس أحدکم فلیقل: الحمد لله رب العالمین ویقال له: یرحمك الله ولیقل: یغفر الله لکم».[[37]](#footnote-37)

هنگامی که یکی از شما عطسه زد «الحمد لله رب العالمین» بگوید و آن کسانی که عطسه‌اش را شنیده‌اند «یرحمك الله» بگویند و عطسه‌زننده در جواب پاسخ‌دهنده «یغفر الله لکم» بگوید.

1. یا اینکه در جواب آن‌ها «یرحمنا الله وإیاکم ویغفرالله لنا ولکم» بگوید.

حضرت نافع از حضرت ابن عمرب روایت کرده‌اند: «هنگامی که شخصی عطسه می‌زند و برای او «یرحمك الله» گفته شود و خود عطسه‌زننده در پاسخ به جواب او «یرحمنا الله وإیاکم ویغفر الله لنا ولکم» بگوید».[[38]](#footnote-38)

1. یا اینکه در جواب آن‌ها «عافانا الله وإیاکم من النار، یرحکم الله» گفته شود.

حضرت ابن جمرهس می‌فرمایند من از حضرت ابن عباسبشنیدم که می‌گفت: «إذا شمت یقول: عافانا الله وإیاکم من النار، یرحمکم الله»**.**[[39]](#footnote-39)

هنگامی که عطسه شخصی جواب داده شد، عطسه‌زننده در جوابش «عافانا الله وإیاکم من النار، یرحمکم الله» بگوید.

1. یا اینکه «یرحمنا الله وإیاکم» بگوید.

از حضرت ابن مسعودس روایت شده که فرمودند: «یرحمنا الله وایاکم»[[40]](#footnote-40) بگوید.

چه کسی مستحق جواب دادن نیست

هر شخصی که عطسه زد و «الحمد لله» گفت جواب دادن وی با «یرحمك الله» واجب است به جز شش نفر که عطسه آن‌ها جواب داده نمی‌شود که عبارتند از:

1. کسی که عطسه زد و «الحمد لله» نگفت عطسه‌اش جواب داده نمی‌شود چنان‌چه قبلاً ذکر شد.
2. زمانی که شخصی بیشتر از سه مرتبه عطسه زد، عطسه‌اش جواب داده نمی‌شود، زیرا که این شخص سرما خورده است.

از حضرت ابوهریرهس روایت شده است که می‌گوید: من از رسول خدا ج شنیدم که فرمود: زمانی که یکی از شما عطسه زد باید همنشین‌اش جواب عطسه او را بدهد و اگر از سه بار بیشتر عطسه زد پس او سرما خورده است و بیشتر از سه عطسه پاسخ داده نمی‌شود.

سلمه‌بن اکوع از رسول خدا ج شنید که مردی نزد پیامبر اکرم ج عطسه زد دیگری زد و رسول خدا ج فرمودند: مرد سرما خورده است و بعضی دیگر از علما گفته‌اند که اگر بیشتر از سه بار عطسه زد باز هم جواب داده می‌شود آن دسته از علما که قایل به جواز پاسخ دادن عطسه بعد از سه بار هستند نزد آن‌ها دلیل قابل اعتمادی وجود ندارد و حدیث «یشمت العاطس ثلاثا فإن زاد فإن شئت فشمته وإن شئت فکف»[[41]](#footnote-41) ضعیف است وانگهی این حدیث دستور به جواب دادن عطسه کسی که بیشتر از سه عطسه زده است را نمی‌دهد و همین طور هم گفتن «شفاك الله و عافاك» مشروع نیست و از رسول خدا ج ثابت نیست.

1. کسی که از جواب دادن عطسه بدش می‌آید و دوست ندارد کسی جواب عطسه‌اش را بدهد و اگر احساس خوف بشود که اگر ما جواب عطسه‌اش را بدهیم به ما ضرری برساند خداوند متعال می‌فرمایند:

﴿مَن كَفَرَ بِٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ إِيمَٰنِهِۦٓ إِلَّا مَنۡ أُكۡرِهَ وَقَلۡبُهُۥ مُطۡمَئِنُّۢ بِٱلۡإِيمَٰنِ وَلَٰكِن مَّن شَرَحَ بِٱلۡكُفۡرِ صَدۡرٗا فَعَلَيۡهِمۡ غَضَبٞ مِّنَ ٱللَّهِ وَلَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ ١٠٦﴾ [النحل: 106].

«کسی که کافر شد بعد از ایمان آوردنش و نه اینکه از روی اجبار کافر شود بلکه با اختیار و رغبت دلش آکنده به کفر گشت پس برای آن‌ها خشم و غضب خداوند و عذاب جهنم است».

و اگر هیچ نوع خطری از جانب آن شخص او را تهدید نمی‌کرد و احتمال خوف و ضرر نبود به خاطر اتباع از سنت جواب عطسه‌اش را بدهد تا این عمل او مخالفتی با شخص متکبر، بر اقدام متکبرانه‌اش در جهت شکستن غرورش باشد، از این رو که لفظ «تشمیت» (پاسخ‌ عطسه) دعای رحمت است و این نوع دعا شایسته شخص مسلمان است فرقی نمی‌کند که چه کسی باشد.[[42]](#footnote-42)

1. هنگامی که شخصی عطسه زد و «الحمد لله» گفت و امام در حال خواندن خطبه بود در این صورت به عطسه‌اش پاسخ داده نمی‌شود چون که سکوت در حین قرائت خطبه «واجب» است.

حضرت ابوهریرهس از رسول خدا ج روایت کرده راست که فرمودند:

«إذا قلت لصاحبک انصت یوم الجمعة والإمام یخطب فقد لغوت».[[43]](#footnote-43)

هر گاه در روز جمعه که امام خطبه می‌خواند و تو به دوست و کناری‌ات گفتی ساکت باش دچار لغو (کار نادرست) شده‌ای.

به جز در صورتی که خطیب لحظه‌ای درنگ کند تا جواب عطسه‌اش داده شود مانعی وجود ندارد و همچنین که در حین خواندن نماز فرض یا نفل عطسه زد و الحمد لله گفت عطسه جواب داده نمی‌شود چون که از حضرت معاویه بن حکم السلمی روایت شده است: روزی من همراه رسول خدا ج نماز می‌خواندم که مردی عطسه زد و من «یرحمك‌ الله» گفتم و اطرافیان شروع کردن به اشاره کردن و چشم غره دادن و من گفتم: مادرانتان به عزایتان بنشینند چرا، این طور نگاه می‌کنید و بعد شروع به زدن دست‌هایشان بر ران‌هایشان کردند، وقتی دیم که مرا امر به سکوت می‌کنند من هم ساکت شدم هنگامی که رسول خدا ج نماز خواندند (پدر و مادرم فدایشان باد من معلم و آموزگاری را بهتر از ایشان ندیدم نه قبل از او نه بعد از او، قسم به خدا نه بر سرم فریاد کشید و مرا نزد و توبیخ هم نکرد) فرمود: این نماز است و در حین خواندن آن شایسته و مناسب نیست که در آن از حرف‌های مردم گفته شود چرا که نماز نام تسبیح و تکبیر و خواندن قرآن است.

1. کسی که عطسه زد و شخص دیگر در حالتی بود که در آن حال ذکر خدا و تسبیح برایش ممنوع است مانند توالت و غیره ... همچنان که «الحمد لله» گفتن در این صورت درست نیست جواب حمد را دادن نیز درست نیست چون که از ذکر در این حالت و صورت نهی شده است.

والحمد لله على التمام

و صلى الله على نبینا محمد

1. - دیوان شافعی/، ص 58. [↑](#footnote-ref-1)
2. - امام بخاری/ در صحیح خود در کتاب الادب، باب من یستحب من العطاس و مایکرة من التشاوب، 7/124-125 این حدیث را تخریج کرده است. [↑](#footnote-ref-2)
3. - فتح‌الباری، 10/662-627. [↑](#footnote-ref-3)
4. - سنن ترمذی، ابواب الصلاة، باب ماجاء فی کراهیة التثاوب فی الصلاة، 2/164-165 همراه با شرح ابن عربی. [↑](#footnote-ref-4)
5. - امام مسلم/ در صحیح خود در کتاب زهد، باب تشمیت العاطی و کراهة التثاوب، 8/225-226 تخریج کرده است. [↑](#footnote-ref-5)
6. - نگاه به فضل‌الله الصمد، شرح الأدب المفرد، 2/376. [↑](#footnote-ref-6)
7. - نگاه به شرح ابن العربی بر سنن ترمذی، 10/198. [↑](#footnote-ref-7)
8. - تخریج آن قبلاً بیان شد. [↑](#footnote-ref-8)
9. - در رابطه با خمیازه شدید حدیثی روایت شده که «التثاءب الشدید والعطسة الشدیدة من الشیطان»، ضعیف است و علامه آلبانی آن را ضعیف قرار داده است و همچنین ابن السنی در ص 97، شماره 264 در محقق عمل الیوم واللیلة ضعیف قرار داده است. و همین قول رسول اکرم ج «فلیکظم ما استطاع» کفایت می‌کند و کافی است. [↑](#footnote-ref-9)
10. - امام مسلم/ در صحیح خود این حدیث را در کتاب الاقضیة، باب نقض الأحکام الباطلة و رد محدثات الامور، 5/132 تخریج کرده است. [↑](#footnote-ref-10)
11. - مرسل از انواع حدیث ضعیف است. [↑](#footnote-ref-11)
12. - نگاه به فتح‌الباری، 10/628 و ـنگاه به فضل‌الله الصمد، شرح ادب المفرد، 2/394. [↑](#footnote-ref-12)
13. - صحیح بخاری کتاب الأدب، باب ما یستحب من العطاس ومایکرة من التثاءب، 7/124-125. [↑](#footnote-ref-13)
14. - حدیثی روایت شده که «العطاس والنعاس والتثاءب في الصلاة والحیض والقي والرعاف من الشیطان» و این حدیث ضعیف است و سند این حدیث را حافظ ابن حجر در فتح‌الباری، 10/208 و همچنین علامه آلبانی در ضعیف الجامع، ص 552، شماره 3865 ضعیف قرار داده‌اند. [↑](#footnote-ref-14)
15. - نگاه به فتح‌الباری، 10/622. [↑](#footnote-ref-15)
16. - جلوتر بیان شد که حدیث «العطسة الشدیدة من الشیطان» ضعیف است و حدیث ابی‌هریره که جلوتر می‌آید ما را از این حدیث بی‌نیاز می‌کند. [↑](#footnote-ref-16)
17. - امام احمد فی العطاس، 4/307، شماره 5029 و امام ترمذی در سنن خود در کتاب ابواب الأدب، باب ماجاء فی خفض الصوت وتخمیر الوجه عند العطاس، 10/205 ... و غیره این حدیث را تخریج کرده‌اند. [↑](#footnote-ref-17)
18. - نگاه به شرح ابن العربی که بر سنن ترمذی نوشته است، 10/205. [↑](#footnote-ref-18)
19. - نگاه به شرح ابن العربی که بر سنن ترمذی نوشته است، 10/206. [↑](#footnote-ref-19)
20. - امام احمد در «المسند»، 2/439 و امام ابوداود در سنن خود کتاب الأدب باب فی العطاس، 4/307، شماره 5029 و ترمذی در سنن خویش ابواب الأدب باب ما جاء فی خفض الصوت و تخمیر الوجة عند العطاس، 1/205 ... تخریج کرده‌اند و همچنین امام بغوی در شرح السنة، کتاب الاستئذان، باب ترک تشمیت من لم یحمدالله عز وجل، 12/314، شماره 3346 و حاکم «المستدرک»، کتاب الأدب، 4/264 و امام ترمذی این حدیث را حسن و صحیح دانسته و امام ابوداود بر آن سکوت کرده (و هر آن حدیثی را که امام ابوداود بر آن سکوت کند قابل استدلال است در تردایشان (مترجم) و علامه آلبانی آن را حسن و صحیح دانسته است و نزد حاکم و ذهبی استاد این حدیث صحیح هستند. [↑](#footnote-ref-20)
21. - نگاه به شرح ابن العربی که بر سنن ترمذی نوشته شده است، 10/206 و نگاه به فتح‌الباری، 10/618. [↑](#footnote-ref-21)
22. - نگاه به اذکار للنوی، ص 427. [↑](#footnote-ref-22)
23. - البته در مذهب احناف جواب دادن عطسه در حین خواندن نماز، باعث فاسد شدن نمازها است و دلیلشان حدیث صحیح مسلم شریف، ج 1، ص 203 باب تحریم الکلام فی الصلاة که راوی حدیث حضرت معاویه بن الحکم السمی است و در همین کتاب در بحث «چه کسی مستحق جواب دادن نیست» آمده است. جهت تفصیل بیشتر مراجعه شود به فتح باب العنایة از مرحوم ملاعلی قاری (مترجم). [↑](#footnote-ref-23)
24. - نگاه به الفوائد المجموعة فی الأحادیث الموضوعة از علامه شوکانی، 224 تا 222 و نگاه به کشف الخفا از علامه عجلونی، 2/252، شماره 5496. [↑](#footnote-ref-24)
25. - امام بخاری در صحیح خود کتاب الأدب باب ما یستحب من العطاس و ما یکره من التثاءب، 7/124-125 تخریج کرده است. و امام نسائی در عمل الیوم و اللیلة، ص 240، شماره 224 و علامه ابن السنی در عمل الیوم و اللیلة، باب کیف یرد علی من شمته، ص 95، شماره 259 تخریج کرده‌اند و علامه آلبانی در صحیح الجامع، 1/179، شماره 686 و همچنین ابن السنی ابومحمد السلفی این را صحیح دانسته‌اند در ص 95، شماره 260. [↑](#footnote-ref-25)
26. - نگاه به فتح‌الباری، 10/616. [↑](#footnote-ref-26)
27. - این حدیث را امام حافظ‌ ابن حجر در فتح‌الباری، 10/616 ضعیف قرار داده‌اند و همچنین ابومحمد السلفی محقق عمل الیوم واللیلة وابن السنی ص 95، شماره 260 این حدیث را ضعیف قرار داده‌اند. [↑](#footnote-ref-27)
28. - این حدیث را امام احمد در «المسند»، 1/120-122 و دارمی در سنن خویش از ابی‌ایوبس در کتاب الاستئذان باب إذا عطس الرجل ما یقول، 2/283 و امام ترمذی در سنن خویش ابواب الأدب باب کیف تشمت العاطس، 10/200-201 و حاکم نیز در کتاب الأدب، 4/64 تخریج کرده‌اند.

 و این حدیث را علامه آلبانی در صحیح سنن ترمذی صحیح دانسته‌اند، 2/354، شماره 2202 و النبا در شرح که بر مسند أحمد، 17/321 نوشته‌اند حسن داشته‌اند. [↑](#footnote-ref-28)
29. - این حدیث را امام ابوداود در سنن خویش در کتاب الصلاة، باب ما یسفتح به الصلاة من الدعاء، 1/205، شماره 773 و ترمذی در أبواب الصلاة، باب ما جاء فی الرجل یعطس فی الصلاة، 2/193-194 و بیهقی در کتاب الصلاة، باب القول عند رفع الرأس من الرکوع و إذا استوی قائما، 2/95 و ذکر أن الصلاة فی هی المغرب، و حاکم در «المستدرک» کتاب معرفة الصحابة و همچنین حافظ ابن حجر در الفتح آن را تخریج کرده و طبرانی تخریج کرده همین حدیث را و گفته سند آن اشکالی ندارد، 10/619 و همه آن را تخریج کرده‌اند و در صحیح سنن ابی‌داود علامه آلبانی آن را صحیح قرار داده‌اند، 1/147، شماره 700. [↑](#footnote-ref-29)
30. - امام بخاری در کتاب الأدب المفرد، باب لایقل آب، 2/390 این حدیث را تخریج کرده است و اسناد این حدیث را حافظ ابن حجر در فتح‌الباری صحیح دانسته‌اند. [↑](#footnote-ref-30)
31. - این حدیث را امام ابوداود در کتاب الأدب، باب ما جاء فی تشمیت العطاس، 4/307، شماره 5037 تخریج کرده است و امام نسائی در عمل الیوم واللیلة ما یقول العطاس إذا شمت، ص 241، شماره 225 و ترمذی در سنن خود در أبواب الأدب باب ما جاء کیف تشمت العاطس، 10/199-200 و حاکم در مستدرک، کتاب الأدب، 4/267 تخریج کرده‌اند و این حدیثی است که امام ابوداود بر آن سکوت کرده است، 4/307 و علامه آلبانی در مشکات، 3/1341 سند آن را صحیح دانسته است. [↑](#footnote-ref-31)
32. - تخریج این حدیث جلوتر بیان شد و این حدیث دال بر این است که پاسخ عطسه‌زننده بر هر کسی که الحمدالله گفتن او را شنیده واجب است و آن کسانی که می‌گویند پاسخ دادن عطسه فرض کفایه یا سنت است هیچ دلیلی نزد آن‌ها وجود ندارد و در جواب آن‌ها فرمود‌ رسول اکرم ج پیش می‌شود که می‌فرمایند : «فحق علی کل مسلم سمعة أن یشتمه». [↑](#footnote-ref-32)
33. - این حدیث را امام بخاری/ در صحیح خود در کتاب الأدب، باب لایشمت العاطس إذا لم یحمد الله، 7/125 و امام مسلم در صحیح خود در کتاب الزهد، باب تشمیت العاطس و کراهة التثاءب، 8/225 تخریج کرده‌اند. [↑](#footnote-ref-33)
34. - امام احمد در مسند، 4/400 و امام بخاری در ادب الفمرد باب إذا عطس الیهودی، 2/392، شماره 940 و امام ابوداود در سنن خویش در کتاب الأدب باب کیف یشمت الذی، 4/308-309، شماره 5038 و امام نسائی در عمل الیوم اللیلة فیما یقول لأهل الکتاب إذا تعاطروا، 243-244 و امام ترمذی در سنن خویش أبواب الأدب باب ما جاء کیف تشمیت العاطس، 10/198-199 و ابن السنی در عمل الیوم واللیلة باب کیف تشمیت أهل الکتاب، ص 96، شماره 262 و حاکم در المستدرک در کتاب الأدب، 4/268 تخریج کرده‌اند و امام ابوداود در سنن خود در رابطه با این حدیث سکوت اختیار کرده است و امام ترمذی حسن صحیح قرار داده‌اند و علامه آلبانی در صحیح سنن ترمذی، 2/354، شماره 2201 صحیح قرار داده‌اند. [↑](#footnote-ref-34)
35. - حافظ ابن حجر در فتح‌الباری اسناد این حدیث را جید و خوب دانسته و ابن عبدالبر، 10/626 نیز آن را تخریج کرده است. [↑](#footnote-ref-35)
36. - تخریج آن قبلاً گذشت. [↑](#footnote-ref-36)
37. - تخریج آن قبلاً گذشت. [↑](#footnote-ref-37)
38. - امام مالک در موطأ در کتاب الاستئذان، باب التشمیت فی العطاس، ص 598، شماره 5 تخریج کرده‌اند و در الآثر از این حدیث سکوت شده و حافظ در الفتح، 10/624 اسناد آن را صحیح دانسته‌اند. [↑](#footnote-ref-38)
39. - امام بخاری این حدیث را در الأدب المفرد، باب کیف تشمت من سمع العطسة، 2/386، شماره 929 تخریج کرده‌اند و حافظ ابن حجر در فتح‌الباری، 10/624 اسناد آن را صحیح دانسته‌اند. [↑](#footnote-ref-39)
40. - حافظ ابن حجر در فتح الباری گفته این حدیث را طبری از ابن مسعود روایت کرده و ابن ابی‌شیبه از ابن عمر تخریج کرده‌اند. [↑](#footnote-ref-40)
41. - این حدیث را امام ترمذی و علامه آلبانی ضعیف قرار داده‌اند در ضعیف جامع، ص 933، شماره 6429. [↑](#footnote-ref-41)
42. - نگاه به فتح‌الباری، 10/622. [↑](#footnote-ref-42)
43. - بخاری، کتاب الصلاة، باب تحریم الکلام فی الصلاة و نسخ ماکان من أباحته، 2/70-71. [↑](#footnote-ref-43)